هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرىند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

فعالیت های سیاسی بدون احزاب غیر عملی است

ص۲

در انتظار «کنگره»!؟

ص۲

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و هفتم ۲ دلو ۱۳۸۹   ۱۷ صفر المظفر ۱٤۳۲ - 22 Jan 2011

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در همایش مقدماتی مجمع عمومی

جمعیت اسلامی به عنوان یک سازمان سیاسی، دینی محور وحدت ملی است



• زمانی که از یک کار سازمانی صحبت می کنیم، یک تلاش نمایشی نیست، بلکه یک وجیبه و امانت بزرگ الهی، نیاز و ضرورت عمدهٔ حیاتی و اجتماعی می باشد.

***

• ملت هایی که پابند به ارزش های بزرگ نیستند، ملت هایی اند که زود سقوط می کنند.

***

• هر جامعه به یک سلسله حرکت های سازنده نیاز دارد؛ انسان های هدفمند سازندگان تاریخ هستند.

ص۳

همایش مقدماتی مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان برگزار شد



همایش مقدماتی جمعیت اسلامی افغانستان به روز پنجشنبه ۳۰ جدی سال روان باحضور پررنگ هزارها تن از اعضای شورای مرکزی و هواداران جمعیت اسلامی در کابل برگزار گردید.

این همایش با هدف راه اندازی کاروفعالیت درعرصه های گوناگون با پشتوانهٔ قوی مردمی و در مطابقت با قانون اساسی در شرایطی برگزار گردید که خیلی ها فکر می کردند حزب جمعیت اسلامی در حالت رکود به سر می برد.

اما حضور گستردهٔ مردم در همایش مقدماتی بیانگر آن بود که جمعیت اسلامی با پیشینهٔ تاریخی و اهداف متعالی که دارد هنوز در قلب توده های مختلف جامعه جایخود را دارد و در مدت کوتاه، با یک صدا می تواند قدرت مردمی را خود را به نمایش بگذارد.

همایش مقدماتی با تلاوت آیات متبرکهٔ قرآنکریم آغاز یافت و سپس محمد نسیم فقیری رئیس دارالانشاء جمعیت اسلامی افغانستان، ضمن خیرمقدم به شرکت کنندگان، برگزاری چنین همایش را در کارهای سازمانی با اهمیت توصیف نمود.

فقیری از برگزاری مجمع عمومی در آیندهٔ نزدیک خبر داد و تصریح کرد که جمعیت در شرف ایجاد تحول تشکیلاتی و بازنگری در برخی موارد بوده که این کارها بستگی به سهمگیری فعال دارد.

ص۷

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ رسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

فعالیت های سیاسی بدون احزاب غیر عملی است

یکی از حرکت ها و کارهای مهم و حیاتی در یک جامعه، همانا تلاش در جهت اصلاح و رفع انحرافات حکام و گردانندگان آن از طریق تیروهای دلسوز و احزاب سیاسی می باشد.

بهترین و مؤثرترین راهی که منجر به اصلاح و بهبود اوضاع و شرایط کشور های نا به سامان می گردد، موعظهٔ حسنه یا سازماندهی اندرز و انتقاد از راه مسالمت آمیز یعنی بدون توسل به خشونت و خون ریزی است.

مسلماً ایجاد نظامی مبتنی بر عدالت، مردم سالار و دارای ارزش های والا را نمی توان با کار فردی و یا حرکت های غیر سازمانی و بدون برنامهٔ منظم، ممکن دانست؛ بلکه تحقق این هدف عالی از طریق تأسیس احزاب قوی و معتقد به ارزش های دینی و فرهنگی، عملی و موثر می باشد.

احزابی که استراتیژی شان در کلیه ابعاد، اعم از اقتصادی، فرهنگی، تعلیمی و ... مشخص بوده و بر مبنای ارزش های عالی، قرار دارد.

تاریخ به اثبات رسانیده است که حکومت ها خواهند توانست از طریق زور و اعمال فشار و اختناق و تزویر خواسته های نا مشروع و زورگویانهٔ شان را بالای فرد یا مجموعه های اندکی از افراد، تحمیل کنند، اما هرگز قادر نخواهند بود احزاب بزرگ و سازمان یافته یی را که در عرصه های مختلف مردم و اجتماع از نفوذ گسترده یی برخوردار می باشند، سرکوب و یا آن ها را از میان بردارند.

این را نیز باید علاوه کرد که: برای نیرومندی احزاب، تنها گسترش کمی نفوذ و کثرت اعضا کافی نخواهد بود، بلکه در پهلوی آن، برای ارائهٔ دیدگاه های خود رسانه های گفتاری و نوشتاری و سازمان یافته و گسترده یی را نیز در اختیار باید داشت.

در کشورمان افغانستان، سازمان یا نهضتی به نام «جمعیت اسلامی» زمانی پا به عرصهٔ وجود گذاشت که هیولای یأس و نومیدی، بر در و دیوار کشور سایه افگنده بود و موسسات ملکی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و مراکز تعلیمی حکایت از سیطرهٔ اختناق و شیوع بی بندوباری های منافی اخلاق و دین، داشت. همین بود که جمعی از چهره های نخبه و مؤمن اعم از اساتید دانشگاه، علمای دینی و جوانان پرشور مسلمان در سال ۱۳۳٦ هجری - خورشیدی، به خاطر راه اندازی مبارزات پیگیر و اصلاح گرانه، وارد میدان شنوند.

این حرکت با گذشت هر روز دامنهٔ وسیعتری به خود می گرفت و مسلمانان کشور از اقشار مختلف بالاخص جوانان، آن را روزنهٔ امیدی برای فعالیت های خود دانسته مشتاقانه به تقویت و استحکام پایه های آن می پرداختند. اما نظام وقت این فعالیت ها را بر نمی تافت.

همین بود که تعداد چشمگیری از نخبگان منسوب به این نهضت، راهی زندان های و حشتناک شده و عدهٔ زیاد از آن ها به درجه رفیع شهادت نایل آمدند، اما سازمان یا حرکت یاد شده ـ که پسانتر ها از جوانان مسلمان به جمعیت اسلامی تغییر نام یافت نه تنها از هم نپاشید، بلکه نیرو و نضج بیشتری یافت و به زودی برای همه ثابت ساخت که جمعیت اسلامی نهضتی است فراگیر و دارای دامنه های وسیع و فراقومی و این نهضت می تواند یک سازمان سیاسی و دینی، محور وحدت ملی بوده باشد و همه مردم ساکن در جغرافیایی موسوم به افغانستان، اعم ص۵

در انتظار «کنگره»!؟

دکتور عنایت الله خلیل هدف

بعد از انتظار طولانی، جمعیت اسلامی افغانستان در راستای بازسازی و احیای ساختارهای تشکیلاتی خود یک گام اساسی را برداشت. به توجیه رهبری جمعیت و فعالیت دسته یی از اعضای این سازمان، به تاریخ سی ام برج جدی سال ۱۳۸۹خورشیدی همایش مقدماتی بر گزاری مجمع عمومی جمعیت در کابل گشایش یافت.

همایش مقدماتی با نوعی عجله طرح ریزی گردید و بدین سبب تنها گلچینی از اعضای جمعیت مقیم کابل به همایش دعوت گردیدند؛ با آنهم سطح اشتراک کنندگان در این گردهمایی بالاتر از حد انتظار بود.

پیام اساسی این همایش، برگزاری مجمع عمومی و یا کنگرهٔ سرتاسری جمعیت در آیندهٔ "نه چندان دور" اعلام گردید. بدون شک گردهمایی کابل و تأکید برگزاری کنگرهٔ عمومی برای افراد و هواداران جمعیت اسلامی افغانستان در سرتاسر کشور و همچنان برای افراد منسوب به این سازمان در خارج کشور، یک خبر خوش و امید وار کننده است.

اعتراف باید نمود که اکثریت قاطع افراد و اعضای جمعیت راجع به احیا و بازسازی تشکیلات و از سرگیری فعالیت های سازمان یافتهٔ جمعیت به نوعی تردید و عدم جدیت می نگرند، و این بی باوری حتی در اذهان و سیمای کسانی که در همایش مقدماتی اشتراک ورزیده بودند، تداعی داشت.

با درک نقاط و ملاحظات ذکر یافته و نیازها و ضرورت های فراوان دیگر، رهبری و دست اندرکاران جمعیت اسلامی افغانستان تصمیم گرفته اند به یاری خداوند متعال و همت و همکاری توده های مؤمن و فدا کار جمعیت، مرحلهٔ نوینی را در حیات سیاسی و اجتماعی سازمان خویش آغاز نمایند، و با به راه انداختن فعالیت ها و ترتیبات لازم برای برگزاری کنگرهٔ عمومی جریان خون را در رگ های ساختاری و تشکیلاتی جمعیت تسریع بخشند.

احیا و بازسازی تشکیلات جمعیت اسلامی افغانستان از طریق تدویر کنگرهٔ عمومی یک مطلب همگانی و یک آرمان بزرگ برای توده های مربوط و منسوب به جمعیت است؛ اما به خاطر باید داشت که تحقق این آرمان بزرگ کار ساده و آسان نخواهد بود. برای تدویر کنگرهٔ عمومی جمعیت ارادهٔ قوی، برنامه ریزی دقیق، مساعی مخلصانه و سعی و تلاش پیگیر شبا روزی نیاز است.

جمعیت اسلامی افغانستان به حیث یک سازمان فراگیر وارث نهضت اسلامی کشور، علم بردار جهاد و مقاومت، حامل قربانی های بی دریغ ملت در تحولات عظیم تاریخ معاصر کشور همواره نقش محوری داشته که افراد و توده های مربوط به این سازمان در جریان این تحولات یا تأثیر گذار و یا هم تأثیر پذیر بوده اند؛ بنا برآن همه از جمعیت انتظارات و توقعات دارند و از دیر زمان برای تحقق آرمان ها و آرزوهای شان جسم به راه هستند.

بدین منظور لازم است همه اقشار و اطراف منسوبین جمعیت حضور و آرزوهای خود را در کنگرهٔ عمومی جمعیت بیابند. در تدویر کنگرهٔ عمومی هیچ کسی را نمی توان از نظر انداخت. تجربهٔ تدویر همایش مقدماتی محکی بود که باید از آن آموخت؛ زیرا، با آنکه این همایش یک گردهمایی اضطراری بوده و تنها به اعضای جمعیت در کابل تخصیص یافته بود؛ اما دیده شد که کمبودی های فراوانی را در برداشت و تعداد زیادی از اعضای جمعیت در کابل حضور نیافتند. با درنظرداشت شرایط و اهداف این همایش می توان کمبودها و گسست های همایش مقدماتی را تحمل نمود؛ اما ایجاد چنین کمبودها و نواقص در تدویر کنگرهٔ عمومی به هیچ صورت توجیه پذیر نخواهد بود. البته تدویر کنگرهٔ عمومی به گونهٔ کامل و آرمانی در شرایط کنونی جامعهٔ ما دست یافتنی نخواهد بود، ولی با آنهم یقینا با ارادهٔ سالم و برنامه ریزی خوب می توان سطح این کمبودها و نواقص را به حد ادنای آن رساند.

هرگاه مجمع و یا کنگرهٔ عمومی جمعیت اسلامی افغانستان با چنین شرایط و آرزوها انعقاد یابد و ساختارهای تشکیلاتی خود را فعال و مشروعیت بخشد، بی تردید سایر افراد و گروه های مربوط به جمعیت در جاهای مختلف و در وضعیت های مختلف مجددا در صفوف جمعیت منسجم گردیده، و حتی افرادی که در نتیجهٔ عوامل گوناگون از جمعیت دور مانده اند به این سازمان بر خواهند گشت.

نه تنها این، بلکه امید بر آن است با فعال شدن جمعیت اسلامی به حیث یک حزب فراگیر و مسوول راه برای رقابت سیاسی سالم در میان سایر احزاب و گروه های سیاسی باز گردد و فرهنگ تدافع و تقابل فکری سیاسی اجتماعی سالم و قانونمند در چوکات قانون اساسی و قوانین نافذه و عادات پسندیدهٔ جامعهٔ ما تبلور یابد.

آری! فقط با این راهکار می توان در مسیر درست تحولات عصر و زمان گام بر داشت... دین اسلامی و تاریخی را ادا نمود... خون شهدا و اشک یتیمان را ارج گذاشت... و درفش امانت را به نسل های بعدی انتقال داد.

تعویق گشایش مجلس نمایندگان

*** اندیشه**

قراربود دور دوم مجلس نمایندگان روز یکشنبه ۳ دلو افتتاح شود، اما تصمیم جدید رئیس جمهور، برعدم گشایش دورهٔ جدید مجلس نمایندگان، انتظار مردم افغانستان را تا یک ماه دیگر به تأخیر انداخت.

تعویق گشایش پارلمان جدید از سوی رئیس جمهور در پی در خواست رئیس دادگاه ویژهٔ انتخاباتی آقای مولوی صدیق الله حقیق صورت گرفت.

دادگاهی که از سوی رئیس جمهور برای همین منظور تأسیس شده بود.

این درحالی است که شخص رئیس جمهور و سخنگویان ریاست جمهوری چندی پیش در دیدار با اعضای برندهٔ مجلس از گشایش دور دوم مجلس نمایندگان در سوم دلو سخن گفته بودند.

آمادگی ها برای افتتاح مجلس نمایندگان از سوی نهادهای مرتبط یک هفته پیش گرفته شده بود.

راه اندازی مراسم ویژه موسوم به هفتهٔ آشنایی نمایندگان برای مدت یک هفته درهتل انترکانتیننتال ادامه یافت.

درهمین حال نمایندگان منتخب پارلمان، در نظر دارند در روز سوم دلو، در ساختمان مجلس حضور یابند و دورهٔ جدید قانونگذاری را آغاز نمایند.

در صورتی که نیروهای امنیتی مانع از ورود آنان به ساختمان مجلس شود، به گفتهٔ یکتن از آنان در مقابل پارلمان تحصن خواهند کرد و یا جلسه مجلس را در محل دیگری تشکیل خواهند داد.

انتخابات دوگانهٔ ریاست جمهوری و پارلمانی افغانستان با ادعاهای گسترده تقلب همراه بود. اما آقای کرزی با نادیده گرفتن این همه ادعاها در انتخابات ریاست جمهوری بر اریکه قدرت تکیه زد. این در حالی است که اعتراض به نتایج نهایی انتخابات پارلمانی کماکان ادامه دارد و با گذشت هر روز ابعاد تازه تری به خود می گیرد.

دادستانی کل افغانستان می گوید: بسیاری از اعضای پارلمان جدید در نتیجهٔ تقلب به پیروزی دست یافته اند واز نظر آنان انتخابات مشروعیت ندارد. اما کمیسیون های انتخابات وشکایات انتخاباتی صلاحیت مشروع وعدم مشروعیت را از آن خود می دانند و گفته های سارنوالی را به شدت رد می نمایند.

درمیان اوج تنش های لفظی میان نهادهای انتخاباتی و دادستانی، رئیس جمهور داد گاه ویژه را به منظور رسیدگی به موضوع تقلب تأسیس نمود.

این دادگاه در اولین روز های کارخود گفته بود شواهدی به دست آمده که می تواند بر نتیجهٔ نهایی انتخابات تأثیر بگذارد.

اما برخی ازآگاهان ایجاد دادگاه ویژه را بر خلاف معیارهای قانونی و حقوقی دانسته و تأخیر در گشایش پارلمان را، در مخالفت با روح قوانین و مردم سالاری در کشور می دانند.

این آگاهان می گویند، رئیس جمهور در روزهای نخست از نتایج انتخابات پارلمانی راضی به نظر نمی رسید و برای همین به دنبال چانه زنی ها می خواهد نتایج انتخابات را به نحو دیگری در آورد.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در همایش مقدماتی مجمع عمومی

جمعیت اسلامی به عنوان یک سازمان سیاسی، دینی محور وحدت ملی است



الحمدلله الذی تتم بنعمته الصالحات والصلاه والسلام علی من بلغ الرساله وادالامانه و نصح الامه و جاهد فی سبیل الله حق جهاده

برادران نهایت عزیز، فرزندان ارجمند و تاریخ ساز نهضت بزرگ در جمعیت اسلامی افغانستان!

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

در این لحظاتی که شما تصمیم گرفته اید تا چنین همایش را به خاطر شادی و خوشحالی روان رهروان نهضت بزرگ،که در روزگاران بسیار سخت که نا امیدی همه جا را فرا گرفته بود عرض اندام کردند و در دو مرحله، برای ملت عزیزمان احیای مجدد نمود من از تلاش های پر ثمر شما اظهار سپاس و شکران می کنم .

در روزگاری که اتحاد شوروی به عنوان یک هیولای وحشتناک در همه موسسات ملکی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بود و مراکز تعلیم و تربیه همه در اختیار وابستگان هیولای وحشتناک قرار داشت، و نظام بزدل و حاکم در آن وقت دستان خود را به عنوان تسلیمی بلند نموده بود، در چنین شرایطی از میان دانشگاه ها و مدارس، نسل های جوان و علمای دلسوز سر بلند نمودند، در برابر این هیولا قرار گرفتند و نهضت اسلامی یا به عبارهٔ دیگر، جمعیت اسلامی افغانستان را اساس گذاشتند. درآن دوران بود که برادران شما سر برآوردند و گفتند این ملت زنده است و شعلهٔ جاویدان اسلام خاموش نمی شود و در برابر قدرت وحشتناک با تظاهرات خیابانی حضور قدرتمند خود را ثابت کردند.

من به روان همه فرزندان بزرگ نهضت که در زندان های وحشتناک آن زمان و چه آنانی که در سنگر های بزرگ جهاد، جام شهادت نوشیدند، درود می فرستم.

در کودتا های خونین که منجر به تهاجم اتحاد شوروی شد بار دیگراین فرزندان نهضت و خواهران و برادران بودند که تصمیم گرفتند جهاد بزرگی زیر بیرق این نهضت بزرگ رهبری نمایند و سرانجام سرنوشت تاریخ و جغرافیایی جهانی را تغییر دهند.

امروز زمانی که ما از یک کار سازمانی صحبت می کنیم این یک تلاش نمایشی نیست، بلکه یک وجیبه و امانت بزرگ الهی، نیاز و ضرورت عمدهٔ حیاتی و اجتماعی می باشد.

اسلام که به عنوان دین نجات بخش می باشد، از شاخص های عمده این دین، زندگی تشکیلاتی و فعالیت های اجتماعی است. در ارکان دینی و همه ابعاد مذهبی خود به عنوان یک اصل و شالودهٔ دینی می بینیم که بر اهمیت جماعت تأکید شده است.

پیامبرگرامی می فرماید: علیکم باالجماعه فان من شذ شذ فی النار.

شما خود را در گروه ها و دسته های منظم، منسجم بسازید زیرا کسانی که تنها و به دور از جمع مصروف کار است، مانند گوسفندانی جدا از رمه، شکار گرگ ها می شوند.

شما هم از ساختارهای سیاسی و اجتماعی به دور نشوید، تا نشود گرگان درنده و فرهنگ های منحرف، شما را نابود بسازد.

این امانت بزرگ را به نسل پویا و جوان، و نسلی که از آزمون ها و مقاومت ها و هجرت ها، در برابر تهاجم فرهنگی قرار گرفتند، امروز منتظرهستند که برای فردای شان چه کاری صورت می گیرد، این ها چه کاری را انجام بدهند، این پیام را باید به نسل جوان برسانیم که نهضت اسلامی تاریخ ساز بود و هست. این نهضت یک حرکت مقطعی و مربوط به یک عصر و زمانی به خصوص نیست، تا قیام قیامت، تا زمانی که کشمکش های حق و باطل است، تا وقتی که در روی زمین انسان است، به آن ضرورت دارد.

تحولاتی که در افغانستان به میان آمده، در قانون اساسی دموکراسی تجویز شده، البته در فرهنگ دموکراسی، فعالیت های سیاسی بدون حضور احزاب یک امرغیر عملی است.

درکشورهایی که نام از دموکراسی می برند، باید پارلمان شان رنگ دینی داشته باشد، باید فعالیت های فرهنگی شان به اساس ارزش ها عیار شود، استراتیژی های مشخص در همه ابعاد، در اقتصاد، فرهنگ، آموزش وپرورش، ارزش ها حاکم بوده باشد.

ملت هایی که پایبند به ارزش های بزرگ نیستند، ملت هایی هستند که زود سقوط می کنند و از بین می روند.

قرآن کریم تعبیر زیبایی دارد، کسانی که معتقد نیستند، آن ها را تشبیه می کند.

کسانی که ارتباط به کتاب آسمانی و تعلیمات الهی ندارند، زندگی شان شرک آلود و بی هدف هست و مانند برگ های خزانی سقوط می کنند و کسانی که معتقد به ارزش های دینی و فرهنگی نیستند همیشه رو به زوال بوده در چنگال دیگران قرار می گیرند.

من از همه برادران و خواهرن که علی العجاله چنین اجتماعی را سازماندهی نموده اند، صمیمانه تشکر می کنم.

چیزی را که می خواهم به او اشاره کنم، جمعیت اسلامی به عنوان یک سازمان سیاسی، دینی محور وحدت ملی می باشد، در این سازمان، همه اقوام ومذاهب حضور و جایگاه قوی خود را دارند. شیعه و سنی، پشتون و تاجیک، هزاره و ترکمن، ازبیک و بلوچ و پشه یی و سایر ملیت های بزرگ کشورکه از لحاظ تعداد اگر کم هستند اما از لحاظ عظمت ملی و تاریخی شان بزرگ بوده و برای همه، جمعیت خانهٔ شان می باشد. این ها برای وحدت و یک پارچگی کشورشان همیشه تلاش کردند.

در جمعیت مخالف هرنوع اختلاف قومی، زبانی، نژادی بودیم و هستیم. زیرا این پیام پیامبر ماست و ما باید بدان برای همیشه بایبند باقی بمانیم.

جمعیت اسلامی برمبنای این پیام، حرکت خود را آغاز نموده است، در کشور خودمان این سازمان، خود را مربوط به اقوام و نژادها می داند. مسوولیت بزرگی در پیش داریم، تاریخ به یک سلسله حرکت های تاریخی نیاز دارد، انسان های هدفمند تاریخ را می سازند.

کشورما نیاز به کار بزرگی دارد تا از وضعیت کنونی بیرون شویم. کشور باید از این کشمکش ها و خون ریزی های خاتمه یابد و ثبات در نظام به میان بیاید. و حرکت صلح و آشتی تقویت شود. این پیام از طریق شما هم برسد.

چند روز بیشتر برادرانی از جمعیت آمده، گفتند شورایی ساختیم از بزرگان اقوام و گفتند که ما می خواهیم شورای صلح داشته باشیم زیرا دولت شورای صلح را ساخته است، جمعیت نیز می خواهد برای بازگرداندن صلح تلاش هایی داشته باشد.

من زیاد وقت تان را نمی گیرم به روان همه شهدای بزرگوار درراس شان قهرمان ملی کشور وسایر شهداء ذبیح الله شهید، قاضی اسلام الدین شهید، صفی الله شهید، طارق شهید، نقیب الله شهید، علاالدین شهید وهزاران شهید که در این لحظات به یادم نمی آید به روان شان اتحاف دعا می کنیم اطمینان می دهم که این راه را همه تعقیب می کنیم و توجه کنیم و نسل جوان را حضورشان را پررنگ سازیم و با ایمان راسخ حرکت خود را به بیش ببریم.

مباحثی پیرامون ادیان شناسی تطبیقی

سیری در ادیان رایج جهان

(سید احمد اشرفی)

بین النهرین

سرزمین بین النهرین یا عراق امروز، در قدیم یکی از مرکز مهم علم و تمدن بشری به شمار می رفت. مرکز و پایتخت این مملکت بابل بود. نام بابل در تورات و انجیل مکرر ذکر شده، و قرآن کریم در سورهٔ بقره آیهٔ ۱۰۲ از آن یاد کرده است.

در بین النهرین اشکال مختلف دینداری، از توحید گرفته تا بت پرستی و طبیعت پرستی رواج داشته، خدایان بی شماری مورد تقدیس و پرستش بوده است. اما در رأس همهٔ آن ها مردوخ قرار داشت که بزرگ ترین و برتر ین آن ها به حساب می رفت. زمانی که آشوریان بر مملکت بابل تسلط پیدا کردند، خدای خودشان آسور را برمسند مردوخ گذاشتند، و آنگاه که بابلیان بار دیگر پیروزی حاصل کردند، مردوخ را به مقام پیشینش باز گردانیدند، و چوکورش، فرمان روای بابل شد، مردوخ جایگاه خود را به نفع اهورا مزدا تخلیه کرد.

همچنان کاوش های باستان شناسی که اخیراً در عراق انجام پذیرفته، نشان می دهد که در این سرزمین، تعالیم توحیدی حضرت ابراهیم ع نیز انتشار یافته بوده است.

دین باقی مانده از حضرت ابراهیم به نام صابئه و پیروان آن به اسم صابئین خوانده می شدند. شمار زیادی از مردمان نواحی شام و یمن نیز از این آیین پیروی می کردند. اما با ظهور و انتشار یهودیت و مسیحیت، صابئه تضعیف شده از فعالیت و نشاط باز مانده، لیکن تعداد اندکی از اهل این دیانت، تا هنوز در عراق عرب و در سواحل خلیج فارس، وجود دارد.

یونان

شبه جزیرهٔ کوچک یونان در جنوب شرق اروپا از گذشته های دور مرکز تمدن، فلسفه و فرهنگ بود. از آنجا که یونانیان ملت باهوش، کنجکاو و شیفتهٔ علم و هنر بودند، برای قانع کردن ذهن جستجو گر خویش نخست به خلق اساطیر پرداختند و سپس پایه های منطق و فلسفه را پی ریختند و پرچمدار علم و دانش در عصر خود گردیدند. از جملهٔ فیلسوفان بزرگ یونان که در حدود چهار قرن پیش از میلاد گذشته اند، سقر اط، افلاطون و ارسطو از همه پر آوازه تر شدند و در طول دو ونیم هزار سال اذهان فرهیختگان و دانشمندان بشری را به تحوی به خود مشغول کردند.

یونانیان با وصف آن همه هوشیاری و زیرکی به دلیل عدم دسترسی به سرچشمهٔ وحی، بجای عبادت خدای واحد و آفریدگار جهان، بت های متعدد و بی شماری را پرستش می کردند. آنان برای برخی از پدیده های طبیعت مانند آسمان، خورشید، ماه، ستارگان، زمین، بحر و برای هر کدام از فروع هنر، علم و حکمت مقام خدایی قایل بودند از جملهٔ خدایان مشهور یونانیان زئوس بود که از همه بزرگتر و قدرت مندتر بوده، بر فراز کوه آلپ جای داشت. برخی از خدایان دیگر آنان عبارت بودند از: آپولون خدای روشنائی و موسیقی، هرمیس خدای فصاحت و بیان، آتن ربه النوع حکمت، افرودیت ربه النوع عشق و دوستی، دیونیسوس ربهٔ النوع شراب و تمثیل تراژیک و آریس خدای جنگ.

ص ۸

این بخش ادامه جستار« یکی از دردناکترین اسارت ها» می باشد که به شمارهٔ (۳۶) این هفته نامه نشر شده بود.

آنجا (در غربتسرای غرب) بیماری های مزمن وکشنده ای ساریست؛ بیماری هایی که بر حلقوم آدم ها فشار می آورند تا آنها را ازپای درآورند و تو، به وضوح می بینی، با گذشت هر روز، فرسوده می شوی، خورد وخمیرمی گردی، ازپای می افتی، ضعف و ناتوانی کامل ولاعلاج، سرا پایت را فرا گرفته . درد ناکتر ازآنها می نگری، کسانی را که انیس تنهایی ها و بیکسی های خود می پنداشتی، ازتو فاصله می گیرند، دور می شوند...؛ اینجاست که باخود به جنگ می افتی، اینجاست که به دروازهٔ منفجرشدن نزدیک می شوی، چون می نگری:

ملکی است بیکسی که در انجا غریب یأس
گر می شود شهید ستمکش نمی شود !

و تو ای خوانندهٔ عزیز! باور کن که علامهٔ بزرگوار (اقبال) و یا سخنسرای درد آشنا (استاد خلیلی)، برخی از سروده های شان را– که از آنها بوی درد می تراود– بر سبیل هنر نمایی یا طبع آزمایی و یا هم ازسر تفنن نسروده اند بلکه درقبال این غمنامه گویی ها، نیت خیروهدف والایی داشته اند که همانا روشنگری اذهان است وهمسایر مردم اند بدین وسیله برای دیگران تفهیم کنند: فریب زرق و برق و مظاهر فریبندهٔ دیگران را نخورند وشیفتهٔ دیوانه وار خط و خال انسویی ها نشوند! احساس خودی پیدا کنند و برای رفع مشکلات کشور و مردم بیچارهٔ شان همیشه دست نگر بیگانگان و همیاری اجانب نباشند.

چنانچه گلبانگ روح افزای اقبال در قالب شیواترین سروده ها – که به قول خودش :

حق اگرسوزی ندارد حکمت است
شعرمی گردد چوسوزاز دل گرفت

همواره درگنبد نیلگون سپهرطنین انداز است وما شوقمندانه می نیوشیم وباغ دل ازنسیم دلنوازش می آگنیم:

ضبط کن تاریخ را پاینده شو
ازنفس های رمیده زنده شو
دوش را پیوند با امروز کن
زندگی را مرغ دست آموز کن
رشتهٔ ایام را آور به دست
ورنه گردی روز کور وشب پرست
سرزند ازماضی تو حال تو
خیزد از حال تو استقبال تو
مشکن ارخواهی حیات لا زوال
رشتهٔ ماضی زاستقبال وحال
موج ادراک تسلسل زندگی است
می کشان را شور غلغل زندگی است

می بینیم که علامه اقبال چگونه با همهٔ شدت و حدت، در جبهه گیری علیه غرب و فرنگستان و سایر کشورهای ثروتمندی که به خلاء روح مواجه اند و جای آن را سقوط ارزشها، بی بندوباری و فساد و حیوانیت اشغال کرده ...، قرار می گیرد وبرای "تجلیل ازتاریخ وتعظیم مفاخروتقدیس ارزش های نهفته درجان ملت [های مسلمان]" می پردازد:

وای بر دستور جمهور فرنگ
مرده ترشد مرده ازصور فرنگ
حقه بازان چون سپهرگرد گرد
از امم برتختهٔ خود چیده نرد
شاطران این گنج ور آن رنج بر
هر زمان اندر کمین یکدگر

دیده ها بی نم زخب سیم وزر
مادران را باردوش آمد پسر
وای برقومی که از بیم ثمر
می برد نم را ز اندام شجر
تا نیارد زخمه ازتارش سرود
می کشد نازاده را اندر وجود
گرچه دارد شیوه های رنگ رنگ
من به جزعبرت نگیرم از فرنگ
ای به تقلیدش اسیر آزاد شو
دامن قرآن بگیر آزاد شو.

ویا درسرودهٔ دیگری از این سخنور والاجایگاه می خوانیم :

چشمم جز رنگ گل و لاله نبیند ورنه
آنچه در پردهٔ رنگ است پدیدار تر است
عجب آن نیست که اعجاز مسیحا داری
عجب این است که بیمار تو بیمار تر است
دانش اندوخته ای دل ز کف انداخته ای
آه زان نقد گرانمایه که در باخته ای

و پس از ابیاتی، بازگوش می نهیم که او با چه بیان حکیمانه ای جوانان را از افسون شدن به زیبایی های دیگران برحذر می دارد :

وای بر سادگی ما که فسونش خوردیم
رهزنی بود کمین کرد و رهٔ آدم زد
شوری کاشتن و شعله درودن تاکی
عقده بر دل زدن و باز گشودن تا کی؟

و یا وقتی که شعر معنون به «کژدم غربت» استاد خلیلی را می خوانیم، دردی بزرگ، همراه با احساس در در رگ جان و دل ما ریشه می دواند آنجا که می سراید:

هر دم زند به رگ رگ جان نیشتر مرا
آوارگی از این چه کند بیشتر مرا
دانم به هیچ مرحله درمان پذیر نیست
آن تیر ها که گشته به دل کار گر مرا
مشکل که درد و سوز دلم را کند بیان
بر جای نامه تا نبرد نامه بر مرا
غم بود و رنج و محنت و زندان و اشک و خون
هر تحفه ای که داد جهان زین سفر مرا
با یاد زهر درد دریغست گفتنم
«آزرده کرد گژدم غربت جگر مرا»

بسیارند آوارگان دردمندی که از رنج غربت و رنج دوری از یاران و همنفسان، زار زار می گریند:

با چنین وضعی که باید زیست دور از دوستان
به که نپسندند قضا بر هیچ دشمن زندگی

ویا خلیلی گونه می مویند:

دگر که گوش دهد نالهٔ غریبان را
فغان و نالهٔ آوارگان افغان را؟

آری، آنجا تو اسیری، هر چند می نگرندت که ظاهراً در پشت سلول گنای زندان قرار نداری، اما دردمندتر از اسیران، بی قراری...! کارت نیست الا آه و ناله و زاری...!

آنگاه است که وطنت را با همهٔ مشکلاتی که ناآدمان دربودن به آنجا در برابرت می گسترند، دوستدار تر می شوی، عشقش به ضمیرت زبانه می زند؛ وانمود می کنی که از همه زرق و برق محیط غربت بیزاری...! زان پس به مصداق :



دوروزی عذر خواه ناله دل بایدم بودن
غریبی در دیار بیکسی یاد وطن دارد–

در آرزوی بال کشیدن به سوی دیار...، و بازگشت دو باره به زادگاهت را لحظه می شماری... اما برای پرواز به چمنزار کشورت، به بال و پر نیاز داری. دریغا که آنت شکسته اند و این آرزو به سهولت فراهمت نمی شود!

یعنی آنجا، اسیری بیش نیستی. روحت اسیرست، اندیشه ات اسیر است، جانت اسیرست وجدانت سخت نا راحت است،درعین اینکه زبانت را نمی دانند و حالت را نمی پرسند!

آن بیضه صنوبری، که در جوف سینه داغ نشسته ات قرار دارد، بیمار است و تو، «غریبی، خانهٔ آئینه می پرسی کجا باشد؟»

روز ها و هفته ها و ماه ها می گذرد، چشم بر دروازهٔ خانه ات می دوزی تا همدمی سراغت گیرد، و یا شاید کسی و کسانی از نزدیکان و دوستان و بستگان به پرسشت در رسد و دید وبازدید ولو کوتاه شان، قلب نا آرامت را دمی آرامش بخشد...، اما می بینی که محال است که به خواسته های خود دست یابی!

مجبوری که بنالی:

بر بیکسیم رحم نکردند رفیقان
فریاد به پیش که من زار بگریم؟

نا چاری که بخروشی:

ما دراین محفل عبث جانی به حسرت می کشیم
یک دل این جا قابل تسخیر نتوان یافتن

آن زمان است که یقین می کنید:

راه غربت یک قدم رنجش کم از یک سال نیست !

حاصل این رنج استخوانسوز– که روزنهٔ پایانش پدیدار نیست – پیری زود رس است. همین جاست که غمگینانه با خود می گویی:

زیر گردون چون سحر در یک نفس گشتیم پیر
می شود موی اسیران ، زود در زندان سفید

و می نالی:

شب آمد بر سر دوران سیه شد روز مهجوران؟

و می مویی:

آسمان یارب ! ندانم تا کجا می راندم؟
این فلاخن می زندعمریست از دورم به سنگ

کس به فریادت گوش نمی نهد، آنگونه که گوش شنوایی برای فریاد های دادخواهانه ات در زندان های پلچرخی و زندانگاه های وحشتزای دیگر کشور خودت نمی یافتی. ناله سر می کردی، فریاد می کشیدی...، آنجا نیز گلویت انباشته از بُغض است و سرشار از فریادهای غمبار...، شیون می کنی، اما در سکوت تنهایی، زاری می کنی، اما درخلوت، و در میان نم نم باران اشک:

در آتش خویشتم چه کنم پیش که نالم؟

هق هق گریه ات را، کسی جز خودت نمی شنود:

تدبیر فراقی که ندارم چه توان کرد

زیرا!

نی منزلی معین، نی جاده ای [illegible]
یعنی که چون مه و سال بی مدعا روانی
[illegible]
[illegible] راحت [illegible] رفتم
[illegible] سرمویی به خمیدن رفتم
یأس برحیرت حال [illegible] می گرید
قطره ای داشتم از یاد چکیدن رفتم

نگاه با تمام درد و اندوه، می پذیری در اسارت هستی! و ازکمال ناچاری می گویی:

ساز نومیدی متاع کاروان زنده گیست
چون جرس تا گرد دل باقیست شیون می کنم

یقین کس همسوطن ! که درد غربت خیلی جانگداز است.

این را آفت رسیدگان می دانند وگرفتاران زندان...، یا آنانی که از فرط بیماری روحی و اضطرابی که موریانه وار رگ و پی و استخوان شان را جویده است...؛

یعنی آنانی که با درد و دریغ بی پایان در یافته اند، اکنون نشانی ازآن عزت پارینهٔ شان ، اعتبار دیرینهٔ شان و آن جایگاه والایی که در میان مردم خود داشتند ، وجود ندارد، و آنان همانگونه که از مردم و یاران و دوستان خود بریده اند و راه زادگاه مأنوس خود را گم کرده اند، به پندار رسیدن به یک شرایط مناسب تر وبه امید یافتن یک زندگی گویا بهتر واستشمام هوای گوارا تر!!!... به دیار دیگران بال و پر کشوده بودند...، اکنون از ژرفای سینهٔ غمبارشان فریاد می کشند:

یارب چه جانگداز بود بی وطن شدن
مجروح تیغ طعنهٔ هر مرد وزن شدن
افتاده ازسریر مقام وشکوه وناز
پامال سفله گان سرشت اهرمن شدن!

وهمصدا با نالهٔ بلند ترین قلهٔ شعر: پدرمعنی ها (بیدل) همراه با آه سوزناک، خروشی تند راه می اندازند:

گر به این سازاست دور از وصل یاران زیستن
زنده ام من هم به آن تنگی که نتوان زیستن
ما وطن آوارگان را غربتی در کار نیست
موج ناچار است در بحر از پریشان زیستن.

آغاز جدید در روابط روسیه و افغانستان

وحید مژده



روزپنجشنبه ۳۰ جدی، رئیس جمهور کرزی برای یک سفر رسمی و دوستانهٔ دو روزه که به دعوت دیمتری مدودف صورت گرفت عازم فدارسیون روسیه شد. همانگونه که گفته شده، قرار است در این سفر بیشتر روی همکاری های اقتصادی، امنیتی و مبارزه با مواد مخدر تبادل نظر صورت گیرد. کرزی را در این سفر در کنار اراکین دولت، جمعی از تاجران افغان نیز همراهی می کنند.

قرار است در این مذاکرات در کنار برنامه هایی که به منظور تشویق سکتور خصوصی روسیه برای سرمایه گذاری در افغانستان صورت گیرد، روی بازسازی پروژه هایی هم بحث صورت گیرد که در دوران اتحاد شوروی در افغانستان ساخته شده است و اکنون نیاز به بازسازی دارد.

یکی از مهمترین این پروژه ها تونل سالنگ است که شمال افغانستان را به جنوب وصل می کند. این تونل در طول ده سال گذشته چندبار بازسازی شد اما به دلیل فساد مالی و اداری و عدم توانائی کمپنی هائی که به این منظور با آنها قرارداد صورت گرفت، همچنان بی توجه باقی مانده است.

گفته می شود در این سفر حامدکرزی در مورد خرید سلاح و مهمات از روسیه نیز با مقامات روسی مذاکره خواهد کرد که خرید سلاح و مهمات به خواست ناتو صورت می گیرد و پول آنرا نیز ناتو خواهد پرداخت و فدارسیون روسیه به افسران افغان آموزش نظامی خواهد داد. مسئلهٔ بازسازی خانه فرهنگ اتحاد شوروی سابق هم در این مذاکرات مورد توجه بوده است.

سوال اینست که نزدیکی روابط میان روسیه و افغانستان چه تاثیری بر روابط میان امریکا و افغانستان خواهد گذاشت؟ آیا این نزدیکی موجب نگرانی امریکا نخواهد شد؟

با توجه به پایان جنگ سرد، امریکا به فدراسیون روسیه بیشتر به چشم یک شریک در عرصهٔ بین المللی می نگرد تا یک رقیب؛ اما شریکی که باید دنباله رو امریکا باشد و باید به سهم کمتر در شراکت قناعت نماید. روسیه از نظر امریکا دیگر توان مبدل شدن به یک رقیب استراتژیک در عرصهٔ بین المللی را ندارد.

زمانی که امریکا پا به افغانستان نهاد، توجهی به روسیه نداشت و حتی روس ها را شایان همکاری وحتی مشوره در این عرصه ندانست. در این زمان امریکا از انقلاب های رنگین در کشور هائی حمایت کرد که قبلا تحت نفوذ اتحاد شوروی بودند. گسترش ناتو به سوی شرق بی اعتنا به خواست روس ها صورت گرفت.

در آن زمان روسیه درگیر مشکلات داخلی خودش بود اما این کشور تحت رهبری ولادیمیر پوتین توانست خود را از این ورطه نجات دهد. کشوری که عرب [illegible] داشت دیگر توان سربلند کردن را نخواهد داشت، ناگهان پا خاست و به جهان فهماند که هنوز زود است تا با یک ضربه از پا بیافتد و نشان داد که هنوز توان ماندن لااقل به عنوان یک قدرت منطقوی را دارد.

در عین حال گذشت زمان به امریکا نشان داد که روسیه کشور مهمی است و کشور های آسیای میانه هنوز هم از روسیه حرف شنوی دارند. ناامنی ها در پاکستان موجب شد تا کاروان های تدارکاتی ناتو مورد حمله قرار گیرد. بنابراین امریکا بیاد روسیه افتاد و به این نتیجه رسید که باید روس ها را تشویق به همکاری با امریکا و ناتو در افغانستان نماید.

جنگ افغانستان مشکلات زیادی را برای امریکا در قبال داشت. امریکا جنگ علیه آنچه که تروریسم خوانده می شد از افغانستان آغاز کرد اما از پیروزی در برابر گروهی ناتوان آمد که گفته می شد از حمایت مردم در داخل و از حمایت کشورهای خارجی جز بخشی از ساختار قدرت در پاکستان برخوردار نیست. این وضع برای یک ابرقدرت که ادعای رهبری جهان را دارد تحقیر کننده بود.

روس ها در مورد [illegible] امریکا در این منطقه [illegible] دارند. ازدیاد تولید مواد مخدر در افغانستان درقدم اول روس ها را هدف قرار داد و این سوال را بر روسیه به میان آورد که آیا امریکا جنگ تریاک را علیه روسیه به راه نیانداخت تا این کشور را بیشتر از پیش تضعیف نماید؟

متحدین امریکا در ناتو علاقهٔ چندانی به جنگ در افغانستان ندارند. بسیاری از این کشورها به حضور سمبولیک در افغانستان اکتفا کرده اند. از طرف دیگر پاکستان که راه تدارکاتی ناتو از آن می گذرد کشور بی ثباتی است و نمی توان به راه تدارکاتی نا مطمئن آن متکی بود. چگونه باید پای روسیه را به جنگ افغانستان کشاند؟ یک راه این بود تا وضع در شمال افغانستان ناامن گردد. برای این کار هلی کوپتر هائی که مشخص نبود از کجا هستند، تعدادی افراد مسلح را به شمال افغانستان انتقال دادند و به این ترتیب ناامنی ها به شمال گسترش یافت. رسیدن مجدد طالبان به مرزهای آسیای میانه برای روس ها می توانست نگران کننده باشد.

صدور مواد مخدر از افغانستان به روسیه راه دیگری برای نگران ساختن روسیه بود و در عین حال گروه های مسلح [illegible] در این گروه افرادی از جمهوری ازبکستان و تاجکستان دیده می شوند که در وزیرستان مستقر اند و تا کنون امریکا از این گروه ها به عنوان تروریست نام نبرده است.

امریکا در رابطه با برقراری سپر موشکی در پولیند و جمهوری چک در برابر روسیه کوتاه آمد و گرجستان را در جنگ با روس ها تنها گذاشت. اینها امتیازاتی بود که امریکا به روسیه داد تا از حساس شدن این کشور در برابر جریانات منطقه جلوگیری نماید. در عین حال امریکا در برابر برنامهٔ اتومی ایران نیازمند همکاری روس هاست.

روز شنبه هشت عقرب سال روان نیروهای امریکائی و روسی طی یک عملیات مشترک در ننگرهار در شرق افغانستان، چندین لابراتوار مواد مخدر را تخریب کرده اند، حکومت افغانستان از این اقدام ناتو به شدت انتقاد کرد. گفته شده که آمادگی ها برای این عملیات مشترک از دوماه قبل گرفته شده بود. پس از خروج نیروهای اتحاد شوروی از افغانستان، این نخستین باری بود که خبر از حضور سربازان روسی در داخل افغانستان رسید که در یک عملیات نظامی شرکت کرده اند.

روس ها از مواد مخدر تولید شده در افغانستان متضرر شده اند و خواستار مبارزهٔ جدی با این پدیده اند. اما امسال به دلیل گران شدن نرخ تریاک که ناشی از کاهش تولید در سال گذشته است، این نگرانی وجود دارد که تولید تریاک در افغانستان بیشتر گردد و این مسئله برای روس ها نگران کننده است.

امریکا برای اردوی ملی افغانستان از روسیه هلی کوپتر خریده است و روس ها می خواهند شریک امریکا در افغانستان باشند.

پس نزدیک شدن افغانستان به روسیه موجب نگرانی روس ها نیست. هرچند حامدکرزی [illegible]

[illegible]

[illegible] نمایند اما باید به خاطر داشت که روسیه دیگر یک کشور [illegible] نیست و در خود این کشور نیز جاده هائی که در دوران شوروی سابق ساخته شده حتی در داخل شهر ماسکو در بعضی جاها نیاز به ترمیم دارد اما مشکلات اقتصادی روسیه تاکنون مانع این بازسازی شده است. در این رابطه می توان با بخش خصوصی قرار داد بست و نمی توان به کمک رایگان روس ها در این عرصه خوشبین بود.

حامدکرزی در این سفر تلاش خواهد نمود تا در مورد خرید تیل از روسیه به توافق دست یابد. روسیه به کشور های مشترک المنافع خود به قیمت نازلتر تیل صادر می کند و افغانستان نیز امیدوار است تا از به صورت استثنائی از چنین امتیازی برخوردار گردد.

به صورت کلی می توان گفت که این سفر به هیچ صورت به ضرر امریکا نیست بلکه می توان گفت سفری در راستای اهداف امریکا و ناتو در افغانستان است که می تواند به نفع روسیه و افغانستان باشد.

فعالیت های سیاسی بدون احزاب...

از پشتون، تاجیک، ازبک ترکمن، نورستانی، پشه یی، شیعه و سنی و ... در آن حضور فعال و قوی داشته باشند.

هنگامی که ارتش سرخ با کمال وقاحت و بی شرمی به کشور ما تجاوز کرد، جمعیت اسلامی در پیشاپیش رهبری جهاد قرار گرفت و از سوی منسوبین آن در سرتاسر کشور و در دورترین دهکده های این مرزبوم جبهاتی نیرومند و سنگرهای قوی احداث شد و فرماندهانی که در رهبری جهاد قرار گرفتند از نخبه ترین چهره ها به شمار می رفتند که عدهٔ زیادی از آن ها خلعت برین شهادت در راه خدا و عزت اسلام و آزادی کشور را برتن کردند و تعداد معتنابهی از آن جمع، هنوزهم با دل مملو از عشق در راه نیرومندی و شکوفایی آن استوار اند و مبارزات دوامداری به پیش می برند.

روز پنجشنبه سی ام جدی همایش بزرگی از سوی آنعده از اعضای جمعیت اسلامی که در کابل اقامت دارند، دایر گردید که هدف آن آگاهی و اعلان آمادگی برای برگزاری مجمع عمومی جمعیت در آینده های نه چندان دور وانمود گردید.

در همایش بعدی که در آن اعضای جمعیت از تمامی ولایات و تعدادی هم از خارج کشور حضور خواهند یافت، راجع به تشکیلات این سازمان و تبادل نظر پیرامون مرامنامه و اساسنامهٔ جمعیت و یک سلسله موضوعات مهم حزبی بحث و تصامیمی اتخاذ خواهد شد و بدین ترتیب ثابت ساخته خواهد شد که وجود جمعیت، یک حرکت مقطعی و یا موسمی نیست، بلکه جمعیت با ساختار جدید و ارائهٔ برنامه های سازنده اش می خواهد به صورت چشمگیر در ارتباط با جریانات کشور حضور فعال داشته و نقش اساسی خود را در همه عرصه ها ایفا نماید و محرز گرداند که فعالیت های سیاسی بدون حضور احزاب قوی غیر عملی می باشد.

از نظر جمعیت چنین همایش ها، در عین این که به عنوان یک ضرورت حیاتی و اجتماعی تلقی گردیده، وجیبهٔ امانت بزرگ الهی می باشد، مزید به آن پاسخسیت به خواسته ها و آرزوهای دیرین اعضای آن، تا بتوانند از طریق آن در فردای کشورشان نقش موثری ایفا نمایند.

وضعیت تکان دهندهٔ جوانان در کشور

پوهندوی عبدالعلی کوهی

بعد از ادارهٔ موقت، در مورد جوانان یک سلسله کار های تشریفاتی در کشور صورت گرفته است که از آن جمله می توان وجود وزارت امور جوانان را در ادارهٔ موقت و معینیت امور جوانان را، در این تازگی در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ نام برد.

وزارت جوانان با یک سلسله شعار ها در آغاز وارد معرکه گردید و می خواست به صورت ریشه یی به دشواری های جوانان رسیدگی نماید؛ اما در نتیجه این وزارت نتوانست برای خود تائید تکلیف کند و حتی وظایف کاری برای خود به وجود بیاورد.

تا این که این وزارت به بایگانی تاریخ پیوست و جای آن را معینیت جوانان در وزارت اطلاعات و فرهنگ احراز نمود.

هر چند شورای جوانان در برخی از ولایات به وجود آمد و این شورا را می توان در جهت بهبود زندگی جوانان، خواسته ها و برنامه های کاری آن ها مثبت ارزیابی نمود؛ زیرا این شورا های جوانان می تواند وسیله یی گردد، تا پیام های جوانان به ارگان های مسوول رسانیده شود.

شورای سراسری جوانان که بیشتر در چهرهٔ یک تشکیلات تشریفاتی و برای دلخوشی جوانان ایجاد گردیده است که دستور های خاص آن تا هنوز یا روشن نبوده و یا هم ابلاغ نگردیده است. بدون شک جوانان دارای دشواری های زیاد می باشد. بیشترین قربانیان مواد مخدر در افغانستان را جوانان معتاد تشکیل می دهند، معظل های اجتماعی زیادی فرا راه جوانان قرار دارد، که هر کدام آن ها می تواند برای جوانان هوشدار دهنده باشد.

بیکاری جوانان آموزش دیده که با گذشت هر سال بر تعداد آنان افزوده می شود، در نبود بستر های شغلی مناسب و مطابق با رشته های تحصیلی شان، بی سرنوشتی جوانان کارگر ساده که بسیاری از آنان تا هنوز در کشور های همسایه و سایر ممالک دور و نزدیک برای امرار معاش خود و خانواده خود، در مهاجرت به سر می برند و هزاران معظل دیگر، هر کدام هوشدار دهنده و تکان دهنده می باشد.

تعدادی از جوانان کشور ما، از بد حادثه، فقر خانوادگی، نبود زمینهٔ اشتغال، با قبول صد ها خطر و نگرانی راهی کشور های دور و نزدیک می شوند و راه های دشوار گذار و غیر قانونی را در این سفر پر از مخاطره متحمل می گردند.

یکی از حوادث بسیار تکان دهنده، غرق شدن تعدادی از مهاجران افغانستانی است که اخیراً در آب های یونان غرق شدند. اسناد نشان می دهد که ۲۲ تن از جمله قربانیان را افغانستانی ها تشکیل داده است.

کشتی ماهی گیری مهاجران که از آب های یونان راهی کشور ایتالیا بوده است، به این سرنوشت دچار گردیده است.

در میان این کشته شده گان زنان و اطفال وجود دارند، در سال های اخیر یونان مهمترین دروازه ورودی مهاجران غیر قانونی به اروپا می باشد. مهاجران کشور های افغانستان، پاکستان، ایران، هند و غیره از طریق دهلیز های مرزی ترکیه به یونان و از طریق یونان به اروپا، با پرداخت معادل سه هزار یورو راه پیدا می کنند، هر چند یونان جزء اتحادیهٔ اروپا است، با آنهم سیاست منسجم و هماهنگ در مورد مهاجران وجود ندارد. ده ها هزار مهاجر سالانه توسط قاچاقبران از ترکیه به یونان و سپس به ایتالیا انتقال داده می شوند. این حادثه کشتی در جزیره کورفو که متعلق به یونان می باشد، رخ داده است و از سر نوشت تعدادی از مسافران که گفته می شود افغانستانی هستند خبری در دست نیست.

این کشتی که دچار سانحه گردیده است، حامل ۲۶۰ مسافر غیر قانونی بوده است که از جمله ۲۴۱ نفر آن نجات داده شده است، اما از سرنوشت ۲۲ تن دیگر آن که به گمان اغلب افغانستانی می باشند هیچگونه معلومات در دست نیست. افغانستانی های آواره و در جستجوی کار و امرار معاش که از امکانات دیگر بی بهره اند، این گونه خطر را به جان می خرند و کشتی هایی را که از استفاده خارج گردیده است و فقط برای قاچاقبران سود جو از آن ها استفاده می شود به کرایه می گیرند که در نتیجه با این فاجعه در بعضی موارد روبرو می شوند.

این گونه مهاجران غیر قانونی که می خواهند به مقصد شان برسند، شانس آن ها فقط به تصادف وابسته می باشد. تعداد اندکی از این مهاجران شاید به امید رسیدن به اروپا به این کار پر خطر دست یازند، اما اکثریت آن ها از روی ناچاری و اجبار مجبور می شوند وطن را ترک بگویند. اگر بخت با آنان یار گردید و از هفت خوان مرزبانان گذشتند، باید در غربت و آوارگی خود را آماده تحمل و دشواری های تازه نمایند.

زندگی در غربت و آوارگی خالی از خطر و مصائب نیست، باید روز ها و ماه ها را در دلهره و هراس خسته کننده سپری کنند و محیط کار برای آن ها به هیچوجه مصون و امیدوار کننده نخواهد بود. کسانی هستند که صدای دهل را از دور می شنوند و برای رسیدن به شرایط بهتر راهی کشور هایی منجمله ترکیه، ایران و غیره می شوند. تا مگر در آن جا به دنیای از ما بهتران برسند. معلوم نیست یک چنین فضای مسموم کننده و این وضعیت دردناک تا کی ادامه می یابد، تنها انتظاری که در این رابطه میتوان داشت، تامین حیات حد اقلی جوانان در داخل کشور می باشد در غیر آن این سر زمین های فریبنده تعداد زیادی از جوانان ما را به کام مرگ و نیستی خواهد کشاند. ما چاره یی نداریم، جز این که این وطن را دست کم برای آیندگان خود (وطن) بسازیم.

در صورتی که ما نتوانیم تمام ظرفیت های مادی خود را در جهت کار و اشتغال، برای متقاضیان کار فراهم سازیم، ما در آینده شاهد فاجعه های انسانی فراوان در کشور خواهیم بود. کشوری که از ما کار، صداقت و انصاف می خواهد، این کار بدون یک دستگاه کارآ، جوابده و مسوول به وجود آمده نمی تواند.

امروز افغانستان به سر زمین بیکاران تبدیل گردیده است که جوانان از صبح تا به شام به دنبال کار و کسب روزی تلاش می کنند، اما نبود ظرفیت های مادی و برنامه های کلان توسعه و تولید، تلاش های آن ها به نا امیدی تبدیل می گردد. هر قدر دامنه نا امنی در کشور بیشتر گردد، به همان تناسب فرار جوانان واجد کار از کشور بیشتر گردیده و هر روز ما شاهد فاجعه های فراوان در مرز های کشور های همسایه و کشور های دور تر خواهیم بود که قربانی این ترازیدی انسانی را جوانان تشکیل خواهند داد.

در کشوری که فیصدی بزرگ آن در زیر خط فقر زندگی می کنند و دستگاه های تولیدی و کار خانه های صنعتی آن نسبت بلند بودن هزینه مواد اولیه و بد امنی در حال مسدود شدن است، دیگر امیدی برای فردای جوانان باقی نمی گذارد که خود را در این حصاری به نام افغانستان محدود سازند.

بنا بر همین عوامل، اینُ جوانان مرگ و یا زندگی، یکی را ترجیح می دهند و دل به طوفان می گذارند، تا راهی برای تنفس و زندگی برای خود پیدا کنند. این ها و معظل های دیگر سیاسی و اجتماعی که در کشور وجود دارد زمینه های فروپاشی نظام خانوادگی و یک اجتماع سالم را از ما خواهد گرفت. باید کوشید قبل از آن که شیرازه زندگی در این کشور از هم بگسلد، باید به دنبال راه های معقول؛ یعنی ثبات سیاسی در این کشور پرداخت. این ها و ده ها معظل اجتماعی و سیاسی دیگر، در نبود یک نظام کارآ و پاسخگو را برای جوانان به جهنم قرن بیست و یک تبدیل خواهد کرد.

روسی ته د حامد کرزی وروستی سفر...

چې پکې د عراق او اماراتو هیوادونو څخه نفتي مواد د ترانزیت په توګه د ایران په لیار راځي او په نتیجه کې یې په افغانانو کې د ایران په هکله یو داسې تصور پیدا شوی چې ایرانیان د افغانانو دښمنان دي.

نو پداسې شرایطو کې د روسیې په څیر هیواد ته د افغان ولسمشر سفر د ګوابښونو او هیلو تر مینځه یو اقدام دی. او ربړیدلی افغان ولس ورته د شک په نظر ګوري؛ ځکه یو داسې هیواد چې د افغان ولس د هغه دښمن رژیم (کمونستي رژیم) رامینځته کوونکی، او تر شایې ودریدونکی او هم نیغ په نیغه زمونږ هیواد ته د یو لك پوځونو راننویستونکی هیواد وو، چې د یو نیم میلیون افغانانو د شهیدولو او تر خاورو لاندې کولو ویاړ (!) لري. نو ډیره عجیبه به وي چې د افغانانو سره یې د دوستۍ اړیکې پیدا شي.

اوس چې کرزي او ورسره مل پلاوي یې د سوداګرۍ په لړ کې د یو لړ تړونونو د لاسلیك کولو له هیلو سره تللی څو وکولای شي د روسیې سره یو شمیر داسې تړونونه لاسلیك کړي چې هم د ایران بدیل د ترانزیتی لارې پراختیا تضمین کړي او هم د روسیې په غوښتنه د یو شمیر هغو پروژو احیاء کول بیرته روسیې ته ورکړای شي چې زمونږ په هیواد کې د شوروي د یرغل د مخه هغوی د هیواد په ځینو سیمو کې لرلې. لکه په ننګرهار کې د فارمونو پروژې او یا د ګازو د راویستلو او ... پروژی. نو دا ښه خبره ده: ځکه پداسې شرایطو کې چې روسیې ته د مخدره توکېو د افغانستان له لیارې د ورننوتلو او یا د هیواد په شمال کې د نا امنیو لامله روسیه د افغانستان همکارۍ ته اړتیا لري، افغانستان کولای شي پدې اړخونو کې د وریښبو ګوابښونو د مخنیوي په لړ کې روسیې ته په ډاډ ورکولو او ژمنتیا سره له روسیې څخه یو شمیر امتیازات لکه د پراخې ترانزیتي لیارې د خلاصولو اوږد مهاله او تلپاتي تړون، د انرژۍ د لاسته راوړلو تړون او یا هم په نظامي ډګر کې د هغو وسلو او جنګي مهماتو لاسته راوړلو همکاري او پیرودلو تړون ترسره کړي چې د افغانستان لپاره ګټوري ثابتې شویدي: ځکه له یوې خوا د افغانستان پخواني امنیتي کدرونه لا د پخوا څخه ددې وسلو د کارولو او سمبالولو له تکتیك او طبیعت سره بلدتیا لري او له بلې خوا په هیڅ اړخ کې باید یو هیواد تړوله اتکاء یوازې په یو هیواد او یو اړخ ونلري لکه چې پخوا هم مونږ افغانان یوازې په پخواني شوروي اتحاد متکي وو، که څه هم سردار محمد داود خان او هم له هغه د مخه د شاهي واکمنۍ وروستی صدر اعظم شهید موسی شفیق ددې هڅه کوله چې افغانستان د شوروي له اجاره دارۍ څخه خلاص کړي او له همدې امله خو پخواني شوروي اتحاد لومړی د شهید شفیق حکومت و نه زغملی شو او د خپلو لاسپوڅو په ذریعه یې د هغه پر خلاف د اخواني بچهٔ ملا پراخه کمپاین پیل کړ او د داود خان کودتاه یې رامینځته کړه او چې کله داود خان هم د خپلې واکمنۍ په پای ورځو کې خپل افغانیت د امریکا هیواد سره د هیواد په جنوب کې د ځینو پروژو لپاره په تړون لاسلیك کولو سره وښوده نو کمونستي کودتاه یې رامینځته کړه.

نو باید چې کرزي دغه تعادل وساتي او په سیاسي او اقتصادي دواړو ډګرونو کې داسې تړونونه ترسره کړي او پالیسۍ خپلې کړي چې دغه سفرونه یې د هیواد د خپلواکۍ پیلامه وګرځي، نه دا چې د بې وسۍ ترانه او د کمزورۍ ښکنځل او لاپې

همایش مقدماتی مجمع عمومی جمعیت اسلامی افغانستان برگزار شد

ادامه از صفحهٔ اول

رئیس دارالانشاء جمعیت اسلامی، فعالیت های سازمانی جمعیت را از سال ۱۳۵۲ تا کنون به بررسی گرفته و تصریح کرد که فعالیت های حزب جمعیت از ابتدا تا کنون مدنی بوده و در چوکات قانون اساسی به پیش رفته است.

در این همایش واقف حکیمی سخنگوی و رئیس تشکیلات جمعیت اسلامی ، با تأکید براین که تشکیلات کنونی جمعیت اسلامی ضرورت به بازنگری و تغییرات دارد، تصریح کرد که با برگزاری مجمع عمومی جمعیت اسلامی و تصویب اساسنامه باورمند هستیم که تغییرات شکلی در تشکیلات جمعیت به وجود بیاید.



واقف حکیمی از حاضرین خواست، به خاطر بهبود فعالیت های سازمانی و بازنگری در اساسنامه، طرح های اصلاحی خود را طی چند هفتهٔ دیگر به دفترمرکزی جمعیت اسلامی به طور کتبی بفرستند.

جناب استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در لحظات پایانی همایش حضور یافت و به سخنرانی پرداختند که متن کامل آن در صفحه سوم این شماره به نشر رسیده است.

استاد شاداب یکتن دیگر از سخنرانان این همایش، اواخر قرن نوزده و قرن ۲۰ را سر آغاز بیداری امت اسلامی در جهان اسلام عنوان نمود و حزب جمعیت اسلامی را پرچمدار بیداری و آزادی از شر استعمار طی نیم قرن اخیر در افغانستان دانست.

وی با بیان این که استعمار شرق و غرب با درک اهمیت مراکز علمی و فرهنگی، فعالیت های خود را در سال های پسین تاریخ سیاسی کشور، روی این مراکز متمرکز ساختند که تعداد زیادی را متأسفانه منحرف نمودند.

استاد شاداب خاطر نشان ساخت که با بیداری مردم مسلمان افغانستان و با آغاز فعالیت های مدنی و دربعدهای جهاد مسلحانه، توسط مجاهد مردانی مربوط به نهضت اسلامی، معادله و توطیه های دشمنان برهم خورد.

احمد ضیا مسعود معاون پیشین ریاست جمهوری طی سخنانی در پیوند با فعالیت های سیاسی گفت: افغانستان تا کنون دارای یک جامعهٔ سالم سیاسی نیست، زیرا جامعهٔ سیاسی از همبستگی کامل ملی به وجود می آید و این فرایند زمانی به وجود می آید که سطح آگاهی مردم بالا باشد.

آقای مسعود جایگاه احزاب قوی را در سیاست گذاری های امروزی مهم توصیف نمود و خاطرنشان ساخت، تا زمانی که احزاب سیاسی به وجود نیاید، انتظار داشتن یک دولت نیرومند، در کشور بعید به نظر می رسد.

وی در شرایط کنونی، هویت های قومی را در ساختارها و فعالیت های سیاسی و حزبی نسبت به وفاداری هایی ملی برازنده خواند و تأکید کرد که، یگانه سازمانی که این عیب و کمبودی را ندارد، جمعیت اسلامی افغانستان می باشد.

مسعود با انتقاد از کارکردهای حکومت کنونی افزود، حکومت با گذشت هر روز بر سر راه فعالیت های مدنی وسیاسی مردم مشکل ایجاد می کند که چنین رویکرد آسیب های جدی را به فعالیت های سیاسی و مدنی وارد نموده است.

درهمایش مقدماتی منیره بهارکی فعال سازمان خواهران جمعیت اسلامی افغانستان، حضور زن را در مسایل درون ساختاری جمعیت، در شرایط دشوار جهاد و مهاجرت ها پر رنگ خواند و تأکید کرد که این نقش در حال حاضر نسبت به هر زمانی دیگر برجسته باشد.

بهارکی حضور زنان را در فعالیت های سیاسی قناعت بخش ندانست و تصریح کرد که باید این حضور توسعه و گسترش بیشتر یابد.

به باور خانم بهارکی، دید جمعیت اسلامی افغانستان نسبت به زنان کاملاً یک دید متعادل است. زن مسلمان در ساختار جمعیت اسلامی می توانند با حفظ هویت و ارزش های دینی و بومی جایگاه واقعی خود را به دور از افراط و تفریط دریابد.

بانو بهارکی زنان مسلمان را به خود آگاهی دعوت کرد و از آنان خواست فریب نیرنگ و تزویر فرهنگ های بیگانه را که نسبت به زن نگاه مادی وغریزی دارند، نخورند.

حقجو سخنران دیگری این محفل، نقش پیامبر گونهٔ رهبران نهضت اسلامی، به ویژه جمعیت اسلامی افغانستان را در بیداری مردم از چنگال شرک و هیولای کمونیستی در قرن ۲۰ مهم خواند و تصریح کرد که حضور این رهبران همانند باران رحمت بر کویر فکری افغانستان تابید که منجر به دگرگونی فکری و فرهنگی نسل جوان ما گردید.

حقجو ادامه راه نهضت اسلامی را استمرار خط بزرگ تاریخی دانست که در طول تاریخ انسان دردمند قرن ۲۱ به آن نیاز دارد.

آقای حقجو در ادامه افزود، اگر ما زبون وبزدل شویم و از ارزش ها دفاع نه نماییم در پرتگاه سقوط خواهیم نمود و کسان دیگری را خداوند پیدا می نماید که از ارزش های دین خدا دفاع نماید.

ناجیه زیوری سخنران دیگر این همایش گفت: زن و مرد در هرجامعه مکمل یک دیگر اند، در جامعه یی که حضور زن کم رنگ باشد، آن جامعه ناقص است.

وی از اعضای جمعیت خواست برای زنان در تشکیلات جمعیت اسلامی افغانستان جایگاه ویژه قائل گردند، از این طریق زنان مصدر خدمت برای جامعه آسیب دیده خود گردند.

فضل الله همیم استاد دانشگاه ننگرهار به نمایندگی از زون شرق جمعیت در این همایش به سخنرانی پرداخت و یک بار دیگر به ادامهٔ راه هدفمندانه در چارچوب سازمان جمعیت اسلامی تأکید نمود. آقای همیم افزود، جمعیت اسلامی به یک قوم و قبیله تعلق ندارد، بلکه سازمان جمعیت یک سازمان فراگیر و افغانستان شمول است، مردم ننگرهار و منسوبان جمعیت اسلامی در ولایات مشرقی، همانگونه که در دوران جهاد برحق حضور مسلحانه خود را در سنگرهای داغ داشتند، در شرایط کنونی به فعالیت های سیاسی مطابق به قانون عمل خواهند نمود.

همایش مقدماتی با دعای خیرخاتمه یافت و یک بار دیگر تأکید گردید که کنگرهٔ سراسری جمعیت اسلامی افغانستان در آیندهٔ نه چندان دور برگزار گردد.



سقوط یک دیکتاتور...

خانوادهٔ بن علی بود که مردم آنرا (عایله) یا خاندان می خواندند. وقتی کسی می گفت که فلان شخص مربوط به خاندان است، به این معنی بود که وی ثروتمند و قدرتمند است.

هرکسی که با این خانواده وصلت خویشاوندی می داشت می توانست در تجارت این کشور سهمی داشته باشد. ویکی لیکس در مورد نظام تونس اسنادی را به دست نشر سپرد که نشان می داد خاندان بن علی مبدل به یک مافیای مخوف در اقتصاد تونس شده اند.

گروهی انگشت شمار که همه وابسته به همین خاندان بودند، تمام فعالیت های پر سود اقتصادی را یکسره به خود اختصاص داده بودند در حالی که اکثریت مردم در فقر زندگی می کردند.

فاصله میان یک اقلیت نهایت ثروتمند با همه امکانات زندگی و اکثریت مردمی که دو وعده غذا را در یک شبانه روز به زحمت به دست می آوردند، سرانجام به قیام عمومی انجامید و افسران نظامی هم که دیدند نمی توانند همه مردم را بکشند، از حمایت بن علی دست برداشتند و او نیز مجبور به فرار از کشور شد.

ویکی لیکس افشا کرد که لیلا طرابلسی همسر رئیس جمور سابق و برادران همسرش و همچنان برادر زاده ها و خواهر زاده هایش به چه فساد و کثافت کاری مشغول اند. کاری که در کشور های دیگر عرب نیز معمول است اما آیا تونس سرمشقی برای مردم کشورهای مشابه مانند اردن، مصر، الجزایر، یمن و ... خواهد بود؟ این نگرانی امروز خواب خوش را در چشم رهبران جهان عرب آشفته کرده است.

خودسوزی اکنون در بعضی از کشورهای دیگر عرب هم آغاز شده است. در الجزایر تا کنون چند نفر دست به این کار زده و کشته شده اند. تونس می توانست سرآغاز سرنگونی رژیم های دیکتاتوری در جهان عرب باشد اما این تحول یک نگرانی را هم به دنبال داشت که مردم را متردد ساخت.

بعد از سرنگونی بن علی در تونس این کشور غرق در ناامنی ها و غارت اموال عمومی و خصوصی شد. رئیس جمهور و صدراعظم جدید کابینهٔ جدیدی را معرفی کردند که در آن همان شخصیت های بدنام قبلی و وابسته به حزب بن علی بود. پولیس همچنان به سرکوب تظاهر کنندگانی ادامه می دهد که مصمم اند تا انقلاب شان به یغما نرود.

این سوال که آیا انقلاب می تواند راهی برای نجات از دیکتاتوری باشد یا اینکه مسیری پرخطر برای رفتن از یک دیکتاتوری به سوی دیکتاتوری دیگر است، مبدل به یک دغدغهٔ خاطر برای مردم در بسیاری از کشورهای عربی شده است. سرنگونی بن علی در تونس تاکنون فقط هرج و مرج به بار آورده است.

اما بسیاری به این نظر اند که دولت بن علی و حزب حاکم وی (جنبش دیموکراتیک قانون اساسی) در شنیدن صدای اعتراض مردم وقت زیادی را به هدر داد و زمانی به این آواز گوش داد که صدا های اعتراض مبدل به فریاد های خشم آلود یک ملت شد.

محمد الغنوشی صدراعظم جدید کابینهٔ جدیدی را معرفی کرد که تعدادی از وزرای سابق در آن عضویت داشتند. این کابینه با مخالفت مردم مواجه شد که می خواهند دوران سابق را به گذشته بسپارند. در همان روز اول شش تن از اعضای این کابینه از وظایف شان استعفا دادند و بعدا همه وزرائی که قبلا وابسته به حزب جنبش دیموکراتیک قانون اساسی بودند، استعفا دادند اما از نظر مردم این کافی نیست.

اما اکنون سوال اینست که تونس به کدام سمت و سو رو خواهد آورد؟ حکومت جدید فعالیت همه احزاب سیاسی را که قبلا از طرف رژیم بن علی ممنوع شده بود، قانونی اعلام نموده است. جنبش اسلامی در تونس قدرتمند است و بعد از سقوط رژیم سابق، حدود دو هزار تن از زندانیان سیاسی از زندان ها آزاد شدند که بخش بزرگی از آنان وابسته به (النهضه) یا جنبش اسلامی این کشور اند.

می توان پیشبینی کرد که نهضت اسلامی در تونس به عنوان یک گروه قدرتمند، شانس بیشتری برای رسیدن به قدرت دارد اما این کار برای امریکا و نیز بعضی از کشور های عرب قابل تحمل نخواهد بود.

قدرت نهضت اسلامی موجب خواهد شد تا قدرت های مخالف اسلام تلاش نمایند تا تجربهٔ تونس را یک تجربهٔ ناکام معرفی نمایند و این احتمال وجود دارد تا برای جلوگیری از به قدرت رسیدن گروه های اسلامی، مانند الجزایر بعد از به قدرت رسیدن اسلامگرایان، تونس نیز صحنهٔ ناامنی های بیشتر گردد. بنابراین هنوز زود است تا بتوان آیندهٔ روشنی برای تونس پیشبینی کرد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و هفتم ۲ دلو ۱۳۸۹ ۱۷ صفر المظفر ۱٤۳۲ - 22 Jan 2011

ابوبکر سبزوار

سقوط یک دیکتاتور



تونس بیش از یک ماه گذشته، شاهد تحولاتی بود که به تغییری چشمگیر انجامید. زین العابدین بن علی رئیس جمهور مادام العمر این کشور در پی تظاهرات خشونت باری که به کشته شدن تعداد زیادی از مظاهره چیان انجامید، مجبور به فرار از کشور شد.

تظاهرات بعد از آن شدت گرفت که شخصی به دلیل فقر و تنگدستی خودش را آتش زد و آتشی که به اینگونه برافروخته شد، به عمر سلطهٔ دیکتاتوری ۲۳ سالهٔ خانوادهٔ بن علی در این کشور پایان داد.

سقوط یک دیکتاتور پدیدهٔ نادری نیست اما آنچه که در این سقوط توجه را به خود جلب می کند نقش کوبنده یی است که اطلاع رسانی در این زمینه ایفا کرد. ویکی لیکس با افشای اسراری از خیانت ها و فساد مالی (خاندان)، اگر نگوئیم بن علی را سرنگون ساخت لااقل می توان گفت که در سرنگونی این خانوادهٔ آلوده با فساد در تونس نقش مهمی ایفا کرد.

در تونس قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی همه در دست ص۷

سیری در ادیان رایج جهان ...

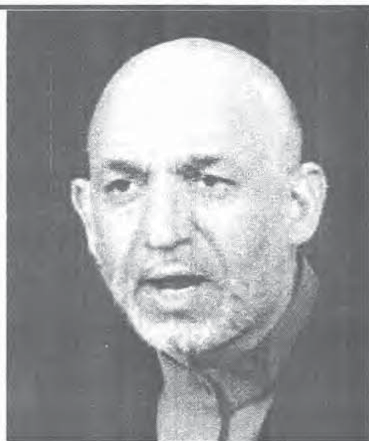
یونانیان برای هر کدام از خدایان معروف و بزرگ خویش معبدی بر افراشته بودند که معبد دلفی برای آپولون، معروف ترین آنهاست. یونانیان به بعث بعد از مرگ اعتقاد نداشتند و خدایان را برای نیل به سعادت دنیوی می پرستیدند.

البته آنچه عرض شد مربوط به عامهٔ مردم یونان می شد. اما خواص و نخبگان که در رأس آن ها حکما و فلاسفهٔ یونان قرار داشتند، همه بت پرست و مشرک نبودند بلکه تعدادی از ایشان همچون ذیمقراطیس «۳۷۰ ـ ۴۶۰ ق. م» و دیگران، مادی و ماتریالیست بوده به خدایی در ورای ماده و طبیعت باور نداشتند و تعدادی هم مانند فیثاغورس، سقراط، افلاطون و ارسطو، آفریدگار جهان را یکتا و یگانه می دانستند و به توحید و تنزیه باری تعالی باور داشتند. البته لازم به تذکر است که در باب خداشناسی، تصور ایشان از صفات خداوند یکتا، با همدیگر تفاوت دارد. و این به درجهٔ تأثیرپذیری ایشان از ادیان آسمانی بر می گردد. آن ها که در پرتو نور دین به خدا شناسی پرداختند این راه را پیروزمندانه پیمودند اما آنانی که برای رسیدن به این هدف، از راه استدلال عقلی یا به قول مولانا با پای چوبین تأثیر پذیر بود، به مقام والای توحید رهیاب گردید و در این راه جان سپرد. همچنان افلاطون که گفته می شود تا یک حدی تحت تأثیر تورات و اوستای زرتشت قرار گرفته بوده افکار قابل توجهی در مورد الهیات عرضه کرده است که در حوزهٔ اندیشهٔ انسانی را بلندترین جایگاه قرار گرفته است. اما در ارسطو، علم رغم این که قلهٔ بلند فلسفه و علم به شمار می رود و در مباحث متافزیک و الهیات دارای ابتکارات و ابداعات مهمی می باشد، چون از این نور بهرهٔ کمتر داشت، در بارهٔ خداشناسی به کجراهه رفته است. او در تنزیه خدا از صفات نقص و عیب، چنان غلو می کند که همهٔ صفات، حتی صفات خلق و اراده و علم را از وی سلب نموده او را روح مرموزی معرفی می کند که هیچ کاری نمی کند و هیچ آرزو و اراده و هدفی ندارد، زیرا او آن قدر فعل محض است که فعلی از وی صادر نمی شود و آن قدرکمال مطلق است که نمی تواند چیزی را آرزو کند، لهذا هیچ کاری نمی کند و تنها فعالیتی که انجام می دهد، مشاهده و تأمل در جوهر اشیا است. به تعبیر ویل دورانت، خدای خیالی ارسطو، همچون شاهان انگلیسی مقام تشریفاتی داشته هیچ گونه صلاحیت اجرایی ندارد.

روم

کشور روم که متشکل از بخش عمدهٔ اروپا، ترکیه و شام، میراثدار فرهنگ و تمدن یونانی و یکی از امپراطوری های قدرتمند دنیای کهن بود. مردم روم قبل از ورود به مسیحیت در قرن سوم قبل از میلاد همچون یونانیان خدایان بی شماری را پرستش می کردند. ایشان تعدادی از آن خدایان را از یونیان و مصریان اقتباط کرده بودند بزرگ ترین خدا در روم ژوپیتر نام داشت که معادل زئوس بود. برخی خدایان دیگر رومیان، عبارت بودند از: مارس خدای جنگ و هرکولیس خدای شجاعت، ایزیس خدای مهتاب، اوزیرس خدای زراعت همچنان در روم قدیم عبادت امپراطور در پهلوی سائر خدایان نیز مروج بوده است.

روسي ته د حامد کرزي وروستی سفر د خپلواکۍ پیلامه که د بې وسۍ ترانه



ن شفیق

د لزبن په غونډه کې د روسي ولسمشر مترى مدویدیف خپل افغاني سیال حامد کرزي ته ددې بلنه ورکړې وه چې له روسي څخه لیدنه وکړي؛ د سیمې د دغو دواړو هیوادونو چارواکو (کرزي او مدویدیف) ترمینځه د اړیکو او لیدنې لیوالتوب لدې امله هم زیات دی چې د شلمې پیړۍ د سړې جګړې په پای کې د پخواني شوروي اتحاد، او ددې امپراتورۍ نسکورونکي هیواد ((افغانستان)) ترمینځه د رواني جګړې دواړو لوریو څخه یو هم د خپلې جګړې له منطقي او حقوقي پایلې څخه برخمن شوی ندی او د امریکا دیکتازۍ او له سیالۍ پرته پهلوانۍ (!) په نتیجه کې اوس دغه دواړه هیوادونه د محرومۍ او بې وسۍ ګډ اشتراك په خپلوکې سر له نوې مینې او اړیکو پالنې ته هڅولي دي.

دا چې روسیه به څومره د افغانستان په درد وخوري؟ خو هغه د چا خبره د روسیې په حق کې دا متل ځاې مومي چې : ((که جګړه بایلې هم، خو حریف له لاسه مه ورکوه !) له همدې امله چې کله د بن له پریکړې وروسته د ترهګرۍ (!) د ټکولو، افغانستان د آبادۍ او دلته د دموکراسۍ د ټینګولو په مینه افغانستان ته د لویدیځوالو د رادانګلو ((حشر)) روسیې ولیده، نو د شبرغان د ګازو، د فارم هډې د مالتو او زیتونو مینې بیا دې ته وهڅوله چې د لویدیځوالو سره په افغانستان کې د بیارغاونې (!) تورنمنټ کې دوې هم برخه واخلي او دغه هدف ته د رسیدلو لپاره یې دوه میاشتې وړاندې د ننګرهار په ختیځ کې د مخدره توکو د له مینځه وړلو په یو عملیاتو کې په برخه اخستلو سره، د امریکا لخوا اخستل شوې ازموینه کې کامیابې تر لاسه کړه.

اوس چې د افغانستان ولسمشر حامد کرزي ـ د پخواني حریف (روسي) د مینې ګرمې بلنې ته لبیك ووایه او دا دی په څلورم خل ورسره لیدنه کوي، ښایې په سیمه کې د رواني جګړې د منطقي پایلې څخه د خلاصون په هیله امریکایي مقاماتو هم د کرزي دغه سفر د خپلې استراتیژۍ او تکتیك یوه برخه ګڼلې وي او پدې سره غواړي چې د روسیې دې تورنمنټ ته په راننویستلو سره خپله ماتې له نورو سره وویشي او یا په سیمه کې د چین او ایران د برلاسیو د مخنیوي په منظور د حشرګرو ډله غټه کړي. او ښایې کرزی په خپل دی کار سره د لویدیځ او په ځانګړې توګه د امریکا لخوا د اداري فساد په نامه د فشار له ګواښ څخه ځان پدې سره خلاصول غواړي؛ چې که امریکاد کرزي د دولت په اداري فساد د تورنولو له چمبو وهلو څخه لاس نه اخلي نو دی کولی شي چې نوي دوستان (!) پیدا کړي.

او بیا پداسې شرایطو کې چې زموږ ګاونډي هیواد ((ایران)) پدې وروستیو کې د افغانانو هغه غټې لاړۍ په ایرانی خاوره کې ایسارې کړیدي ۶مخ